ضمیمه ۳
دستیاران یا معاونین زن در کلیسا

هنگامی که کلیساها زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب می‌کنند، باید افرادی را انتخاب کنند که بر طبق کلام خدا واجد شرایط لازم جهت این خدمت هستند و قادرند وظایفی را که بر طبق کتاب‌مقدس از آنها خواسته شده است، انجام دهند.

الف - زنان و رهبری در کلیسای مسیحی

وجود یك زن در مقام رهبری موضوعی قابل بحث در میان مسیحیان و کلیساهای مسیحی بوده است. در این ضمیمه قصد داریم تا حدی به این موضوع بپردازیم، ولی تصمیم نهایی در این خصوص در نهایت با رهبران کلیسای خود شما است.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در خصوص رهبری زنان چه تعلیمی می‌دهد؟

۱- زنان در چهارچوب تاریخی و فرهنگی کتاب‌مقدس.

برخی از کلیساها تعالیم پولس را تنها محدود به روابط بین زن و شوهر می‌دانند، ولی برخی دیگر از کلیساها معتقدند که پولس در مورد چگونگی رفتار زنان در جلسات رسمی کلیسایی (جلسات عبادتی در روز پرستش خداوند) نیز تعالیم مهمی داده است.

الف) زنان در مقام پیران کلیسا؟
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ تیطس ۱: ۶.
در کتاب‌مقدس می‌خوانیم که رهبران کلیساهای محلی (پیران کلیسا) همگی مرد بودند و باید "یك همسر" می‌داشتند. کتاب‌مقدس در رابطه با انتصاب زنان به مقامی کلیسایی هیچ تعلیم خاصی نداده و آن را تصدیق نکرده است.

ب) زنان در مقام خادمین کلیسا؟
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.
نیز کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که خادمین همگی مرد بودند. اول تیموتاؤس ۳: ۱۱ به طور تحت‌اللفظی می‌فرماید، "به همین سان همسرانشان نیز" (یونانی: gunaikas hosautos).
۱) اما اصطلاح فوق نمی‌تواند به مقام رسمی خادمین زن اشاره داشته باشد، زیرا در آن صورت این جمله باید این گونه خوانده می‌شد "به همین سان خادمین زن نیز" (یونانی: tas de diakonous).
۲) این اصطلاح به "همسران مردان خادم" نیز اشاره نمی‌کند، زیرا در آن صورت جمله باید این گونه خوانده می‌شد: "زنان آنها" (یونانی: gunaikas auton) یا "کسانی که صاحب زن بودند" (یونانی: gunaikas echontes). اگر "زنان خادمین" صاحب مقام یا منصب رسمی در کلیسا محسوب می‌بودند، این بدان معنا بود که "زنان پیران کلیسا" از این مقام محروم بودند. در آیات ۲ و ۱۲ به زنان پیران کلیسا و خادمین اشاره شده است.
۳) منظور از عبارت "به همین سان همسرانشان نیز"، زنان خاصی است که بعنوان معاون، دستیار یا خدمتکار زن مشغول کار بودند، زیرا کلمه "به همین سان" به طبقه‌ای از مردم اشاره دارد که مانند خادمین مرد هستند بدون آنکه خود خادم باشند.
بنابراین باید این زنان را گروهی خاصی از زنان در کلیسای افسس محسوب بداریم که خدمت خاصی در کلیسا انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۳- ۱۶).

پ) فیبی- خادم زن یا دستیار؟
بخوانید: رومیان ۱۶: ۱- ۲.
این تنها زمانی است که از یك زن در عهدجدید بعنوان "diakonos" یاد می‌شود که همان کلمه‌ای است که برای "خادم" بکار رفته است. فعل "diakoneo" هیچوقت در مفهوم "خدمت به عنوان خادم یا خدمت در مقام خادم" بکار نرفته است. بلکه همواره به مفهوم "خدمت" به معنای "رسیدگی به نیازهای مردم" بوده است. بنابراین مفهوم اولیه اسم "diakonos" نیز "خدمتگزار" است، نه "خادم". رومیان ۱۶: ۱ به انتصاب یك زن در مقام خادم آنگونه که در اعمال ۶: ۱- ۷ آمده، اشاره نمی‌کند، بلکه به خدمت فیبی به عنوان یك "خدمتگزار" اشاره دارد.
کنخریه یکی از بنادر قرنتس بود. در آنجا یك کلیسای مسیحی وجود داشت و فیبی بعنوان "معاون" در آن کلیسا خدمت می‌کرد. خدمت او شبیه خدمت خادمین در اعمال فصل ۶ بود، زیرا او بعنوان "دستیار" یا "کمك کننده" (در یونانی: prostates) به بسیاری از مردم، و حتی به خود پولس کمك می‌کرد. او احتمالاً از بسیاری از کسانی که از شرق به غرب سفر می‌کردند مهمانوازی می‌کرد. فیبی به احتمال زیاد زنی بود شبیه لیدیه در فیلیپی (اعمال ۱۶: ۱۵)، یا زنانی که به عیسی و شاگردانش

خدمت می‌کردند (لوقا ۸: ۱- ۳)، و یا زنی بود مانند زنانی که در کلیسای افسس خدمات خاصی انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۰). انجام چنین خدماتی به این مفهوم نیست که این زنان به عنوان خادم در کلیسا منصوب شده بودند.

ت) زنان در جلسات رسمی کلیسا.
بخوانید: اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴؛ اول قرنتیان ۱۴: ۳۳- ۳۸.
۱) پولس در اول تیموتاؤس ۳: ۱۵- ۱۶ ، هدف از نگارش اولین نامه خود به تیموتاؤس را بیان می‌کند. موضوع نامه او این است که "مردم باید در خانه خدا که کلیسای خدای زنده است، چگونه رفتار کنند". پولس در ادامه می‌گوید که مردان خاصی باید بعنوان پیران کلیسا منصوب شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۱- ۷) و مردان دیگری نیز باید در مقام خادم دستگزاری شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۸- ۱۳). او همچنین در این مورد که مردان و زنان باید در هر جا چگونه رفتار کنند، تعالیمی مهم ارائه می‌دهد (اول تیموتاؤس ۲: ۸- ۱۵). بر طبق "فرهنگ یونانی- انگلیسی عهد جدید" نوشته بایر، آرنت، گینگریچ، منظور از کلمه "aner" در این قسمتها، "هر مرد بالغی" است، و نه صرفاً "مردان متأهل ". کلمه "gune" نیز به "هر زن بالغی" اشاره می‌کند، و نه صرفاً به "زنان متأهل". پولس رسول می‌فرماید: "من اجازه نمی‌دهم که هیچ زنی (در یونانی: gune) تعلیم دهد یا بر مرد (در یونانی: aner) مسلط شود". بلکه باید در آرامی و تسلیم کامل تعلیم گیرد.
۲) تیطس ۲: ۳- ۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که به دیگرزنان در خانه‌های خود تعلیم دهند. و اول قرنتیان ۱۱: ۳- ۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که خارج از جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند (نبوت در اینجا به معنی اعلام سخنان خدا است).
۳) در اول قرنتیان ۱۴: ۳۳- ۳۸، پولس رسول در رابطه با وجود نظم و ترتیب در جلسات رسمی پرستشی کلیسا تعلیم می‌دهد (اول قرنتیان ۱۴: ۲۶). او می‌نویسد: "زنان باید در کلیسا خاموش بمانند. آنها مجاز به سخن گفتن نیستند، بلکه باید چنانکه شریعت می‌گوید، مطیع باشند". به نظر می‌رسد که زنان قرنتس در طول جلسات رسمی پرستشی مطیع نبودند و می‌خواستند مثل مردان رفتار کنند. آنها می‌خواستند کلام را با اقتدار موعظه کنند و در جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند. پولس رسول به آنها اجازه انجام چنین کارهایی را نمی‌دهد. پولس رسول می‌فرماید که آنچه او می‌نویسد، "حکم خداوند" است. او به آنها هشدار می‌دهد که هر کس حکم خداوند را نپذیرد و آن را نادیده بگیرد، خداوند نیز آن شخص را نخواهد پذیرفت (اول قرنتیان ۱۴: ۳۷- ۳۸). بنابراین مشخص است که این موضوع به ارتباط بین مرد متأهل با همسرش در خانه اشاره نمی‌کند، بلکه به روابط کلی مردان و زنان در جلسات رسمی کلیسا اشاره دارد. از نظر پولس رسول، این موضوع از دید خدا امری کاملاً جدی است.

ث) زنان با مردان برابرند، ولی با آنها فرق دارند.
بخوانید: لوقا ۸: ۱-۳؛ رومیان ۱۶: ۱- ۶؛ اول تیموتاؤس ۳: ۱۱؛ ۵: ۱- ۱۶؛ تیطس ۲: ۳- ۵.
۱) از دیدگاه خدا، مرد و زن با هم برابرند و به یك اندازه ارزشمند، مهم، توانا و مفید هستند. هر دو بطور برابرعضو بدن مسیح می‌باشند (غلاطیان ۳: ۲۸)، و هر دو باید بطور یکسان از عطایای روحانی خود در جمع استفاده کنند (اول پطرس ۴: ۱۰).
۲) با اینحال، عملکردها و وظایفی که خدا به مرد و زن می‌سپارد، یکسان نیستند. خدا به زنان عملکردها و وظایف متفاوتی عطا کرده است: از نظر جسمانی، زاییدن فرزندان (پیدایش ۳: ۱۶؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۵)، از نظر اجتماعی، در روابط ازدواج (افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱-۶) و از نظر روحانی در کلیسا. خدا در چهارچوب ازدواج و نیز در کلیسا، نقش رهبری را به مرد سپرده است، نه به زن. خدا همچنین وظیفه موعظه و تعلیم از کلام خدا در جلسات رسمی کلیسا را به مردان محول کرده است، نه به زنان (اعمال ۶: ۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷؛ دوم تیموتاؤس ۴: ۱-۵؛ تیطس ۱: ۹).

ج) حضور زنان در کلیسا امری ضروری است
در کتاب‌مقدس اسامی و اعمال زنان بسیاری ثبت شده است که همگی خدمات مهم و باارزشی در کلیسا انجام دادند (لوقا ۷: ۴۴- ۴۷؛ ۸: ۲- ۳؛ یوحنا ۴: ۳۹؛ ۲۰: ۱۷- ۱۸؛ اعمال ۹: ۳۶؛ ۱۶: ۱۵؛ رومیان ۱۶: ۱- ۲؛ ۱۶: ۳؛ ۱۶: ۶؛ ۱۶: ۱۲- ۱۳).

چ) در خصوص این دو موضوع ذیل باید همیشه از افراط پرهیز کرد.
کلیساهای مسیحی از یك سو نباید زنان را به مقامی کلیسایی منصوب کنند، وقتیکه تضمین کتاب‌مقدسی برای انجام این کار وجود ندارد.
ولی از سوی دیگر، نباید خدمات مهم و باارزش زنان را در کلیسا نادیده بگیرند.

۲- خدا است که تعیین می‌کند به هر کس در چه زمینه‌ای قدرت عطا فرماید.

هر قدرتی از جانب خداست و او است که تعیین می‌کند این قدرت به چه کسی اعطا شود (رومیان ۱۳: ۱- ۲).
۱) خدا در مسیح بر تمام انسانها اقتدار دارد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲۰- ۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸).
۲) مردان و زنان بر خلقت خدا اقتدار دارند (پیدایش ۱: ۲۸؛ مزمور ۸: ۴- ۸).

۳) شوهر در چهارچوب ازدواج بر همسر اقتدار دارد (پیدایش ۳: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱- ۶). مرد همچنین میتواند در جلسات رسمی کلیسایی اقتدار خود را بکار بگیرد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳- ۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴)
۴) والدین بر فرزندان خود که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، اقتدار دارند (افسسیان ۶: ۱-۳؛ کولسیان ۳: ۲۰).
۵) حکومت یک کشور، بر شهروندان خود اقتدار دارد (رومیان ۱۳: ۳- ۷؛ اول پطرس ۲: ۱۳- ۱۷).
۶) یك کارفرما بر افرادی که زیردست او کار می‌کنند، اقتدار دارد (افسسیان ۶: ۵- ۹؛ کولسیان ۳: ۲۲- ۴: ۱؛ اول پطرس ۲: ۱۸- ۲۳).
۷) پیران کلیسا بر اعضای کلیسای خود اقتدار دارند (اعمال ۲۰: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

۳- <u>فرهنگ ستنی مردم و فرهنگ ملکوت خدا.</u>

برخی از مسیحیان معتقدند که تعالیم پولس متأثر از فرهنگ زمان او است و برای فرهنگ امروزی چندان کاربرد ندارد. چنین تفکری بسیاری خطرناك است.

الف) <u>تعریف فرهنگ.</u>
فرهنگ هر ملتی عبارت است از بینشها، واقعیات، باورها، خرافات و ارزشهایی که خود را در قالب عقاید، تجارب، رفتارها، روابط، سنتها و آداب و رسوم آن ملت متجلی می‌سازد.

ب) <u>چهارچوب تاریخی کتاب‌مقدس.</u>
فرهنگ تاریخی و سنتی هر قوم و ملیتی هم جوانب مثبت دارد و هم جوانب منفی. در قسمتهای تاریخی کتاب‌مقدس، بهنگام نگارش کتابی خاص هم به جوانب مثبت فرهنگ انسان اشاره می‌شود و هم به جوانب منفی. ولی هیچکدام از این اشارات را نمی‌توان یك استاندارد یا یك اصل کلی و جهان‌شمول برای تمام اعصار دانست.

پ) <u>چهارچوب فرهنگی کتاب‌مقدس.</u>
خدا می‌خواهد که فرهنگ ملکوت خدا در هر کشور و شهری و در بین تمامی مردم جهان، تنها فرهنگ حاکم باشد. قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس از طرفی تعلیم می‌دهند و حکم می‌کنند که کدام جنبه‌ها از فرهنگ ملکوت خدا باید بر فرهنگ مردم نقاط مختلف جهان در هر دوره‌ای از تاریخ حاکم باشد، (متی ۵- ۷ و تمام مَثَلهای مربوط به ملکوت خدا)، و از طرف دیگر تعلیم می‌دهد که فرهنگ‌های بشری باید از کدام جوانب منفی و بد فرهنگی دوری جویند. قوم خدا نباید مطابق روشهای نادرست امتهای خدانشناس عمل نمایند (تثنیه ۱۸: ۹- ۱۳). قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس در خصوص رابطه زوجهای مسیحی با یکدیگر در چهارچوب ازدواج، رابطه والدین و فرزندان، رابطه بین کارفرما و کارمند، رابطه بین حکومت و شهروندانش و خلاصه خیلی از روابط بشری دیگر، تعالیم مفیدی ارائه می‌دهد (افسسیان ۵: ۲۲- ۶: ۹؛ کولسیان ۳: ۱۸- ۴: ۱؛ اول پطرس ۲: ۱۳- ۳: ۷). کتاب‌مقدس مطابق معیارهای روشن اخلاقی درباره امور جنسی و معیارهای عدل و انصاف دستور میدهد (متی ۵: ۲۱- ۴۸). کتابمقدس در خصوص روابط بین مرد و زن در کلیسا نیز احکام مهمی وضع کرده است (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳- ۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴). تمام این احکام در تمام نقاط دنیا و در تمام زمانها معیارهای اصولی بشمار میروند.

ت) <u>روش صحیح تفسیر کتاب‌مقدس.</u>
فرهنگ مردم نیست که نحوه تفسیر کتاب‌مقدس را تعیین می‌کند، بلکه این فرهنگ ملکوت خدا در کتاب‌مقدس است که مشخص می‌کند مردم در هر مکان و زمانی باید بر اساس چه فرهنگی رفتار کنند. خدا نه تنها می‌خواهد قلبهای مردم را تغییر دهد، بلکه مایل است در زندگی و فرهنگ آنان نیز تغییراتی ایجاد کند. مسیحیان باید بین قسمتهای تاریخی و تعلیمی کتاب‌مقدس تمییز قائل شوند. قسمتهای تاریخی کتاب‌مقدس صرفاً به توصیف وقایعی می‌پردازد که در زندگی و فرهنگ مردم مختلف رخ داده است، و در این رابطه هم ابعاد منفی را بیان می‌کند و هم ابعاد مثبت را. اما توصیف این وقایع نمی‌تواند معیار یا استاندارد رفتار مسیحی قرار گیرد. اما قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس درخصوص آنچه که در زندگی و فرهنگ مردم باید رخ دهد تعالیمی داده و احکامی صادر کرده است. این تعالیم و احکام همواره برای مسیحیان در هر نقطه‌ای از دنیا معیارهای اصولی و استاندارد بشمار می‌روند و باید بر تمام روابط مسیحی حاکم باشند.

ب - <u>شرایط دستیاران یا خدمتکاران زن</u>

اگر کلیسا می‌خواهد زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب کند، باید از زنانی استفاده کند که قادرند موارد و وظایفی را که کتاب‌مقدس از یك معاون یا خدمتگزار زن انتظار دارد، برآورده نمایند.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد شرایط دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.

دستیاران زن باید افرادی محترم باشند. نباید غیبت کنند. باید در رفتار و عملکردهای خود معتدل باشند. همچنین باید در هر چیز قابل اعتماد باشند. معاونین زن باید بر اساس شخصیت، رفتار و تواناییهایشان انتخاب شوند.

پ - وظایف دستیاران یا خدمتکاران زن

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با وظایف دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: لوقا ۸: ۱- ۳؛ رومیان ۱۶: ۱- ۶؛ اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۶؛ تیطس ۲: ۳- ۵.
خدمتکاران زن باید معاون یا دستیار خادمین مرد باشند، بویژه در زمینه خدمت به فقرا و نیازمندان. آنها وظایفی را انجام می‌دهند که در مقایسه با مردان بهتر توانایی انجامش را دارند. به موجب اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۶، ظاهراً در کلیسای افسس بیوه‌زنانی مسن وجود داشتند که عهده‌دار عملکردها و مسئولیتهای خاصی بودند.
تاریخ اولیه کلیسا نشان می‌دهد که این زنان خدمات زیر را انجام می‌دادند: آنها زنان جوانتر را نصیحت کرده، به آنها توصیه‌هایی می‌دادند؛ برای زنان دیگر دعا می‌کردند، به ملاقات بیماران می‌رفتند، زنان را برای تعمید آماده می‌کردند و آنها را به شرکت در شام خداوند دعوت می‌نمودند. آنها همچنین به فکر بیوه‌زنان و یتیمانی بودند که توسط کلیساهای محلی از آنها حمایت می‌شد.